نفت و انرژی

نفت ایران در عصر پساتوافق

محسن پاکنژاد- وزیر نفت

با امضای توافقنامه میان دولتین ایران و آمریکا و در سایه تدابیر و بالاتر راهگشای ترسیمی در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله)، کشور وارد عصر تازه‌ای از کار و تلاش و پیشرفت در عین مراقبت و هوشیاری از کید دشمنان خواهد شد. واقعیت این است که صنعت نفت کشور با اندیشه فائد شهید است. اتکا به خود و تکیه بر فکر و بازوی ایرانی را یاد گرفت و آن را تمرین کرد و اکنون رهبری انقلاب که انشاءالله‌تعالی، خُلقاً و خَلقاً به امام شهید هستند، همان اندیشه و باور را به ما تذکر دادند.

به گزارش زمان به نقل از ایران، در عصر پساتوافق همچون همه عرصه‌های اعتلای ملی ایران در ایام گذشته، صنعت نفت نقش موثر حرکت رو به پیشرفت اقتصاد ایران را بر عهده خواهد داشت؛ چراکه این بخش بیش از همه بخش‌ها طعم تحدید و تحریم را چشیده و به همان تناسب بیش از همه بخش‌ها بر رهایی از وابستگی فنی و عملیاتی تمرکز کرده است. استقلال امروز صنعت نفت در مسائل فنی، از اکتشاف تا تولید و فرآوری و صادرات، مهمترین نقطه قوت این صنعت است که باعث می‌شود در همه صحنه‌ها نیز ظرفیت توسعه‌ای این صنعت زمینه‌ساز پیشرفت شود.

صنعت نفت در جنگ تحمیلی رمضان در خط مقدم جهاد و مقاومت، همگام با برادران عزیزم در نیروهای مسلح قهرمان ایران، صحنه تجلی کلمه ایران مقتدر بود با وجود موقعیت کانونی تأسیسات صنعت نفت در فهرست حملات دشمن، تمامی فعالیت‌های زنجیره تولید، پالایش و توزیع نفت خام، گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی بدون انقطاع به کار خود ادامه داد؛ در بی‌نظیرترین حملات نظامی به زیرساخت‌های ملی انرژی، حتی برای یک ساعت روند سوخت‌رسانی به کل کشور، توزیع گاز و تولید و صادرات نفت کشور دچار وقفه نشد و به لطف خدا و با زحمت کارکنان جهادگر صنعت نفت، کارنامه‌ای همچون دفاع مقدس برای این صنعت به ثبت رسید.

در ایام پس از جنگ نیز روند بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده و بازگرداندن ظرفیت‌های ازدست‌رفته نفت و گاز در اثر حملات دشمن با برنامه‌ای دقیق و انضباطی متال‌زدنی دنبال شد که ثمره آن بازگشت سریع ۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت گاز ازدست‌رفته در اثر جنگ و احیای ظرفیت ۳۸ درصدی آسیب‌دیده صنعت پتروشیمی بود. تولید، ذخیره‌سازی و صادرات نفت خام کشور نیز باوجود لشکرکشی بی‌سابقه دشمن، به مدد دست نصرت الهی با ضرایبی تاریخی به انجام رسید که ان‌شاءالله روایت این حماسه‌های ماندگار، در زمان و موقعیت مناسب برای ملت ایران بازگو خواهد شد.

حالا و در ایامی که سایه جنگ با هدایت‌های رهبری، با شکوه خیابان و مقاومت میدان و درنهایت با بلندنظری و درایت رئیس‌جمهوری برآمده از رأی آحاد ملت ایران به پایان رسیده است، صنعت نفت همان خط راهبردی موردنظر نظام را در پیش خواهد گرفت؛ یعنی توأم با پیشرفت و توسعه و بازسازی، مسیرهای کید و خصومت دشمن را در نظر خواهد داشت.

صنعت نفت ایران در عصر پساتوافق، بزرگ‌ترین صحنه ارائه فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت فنی و مالی برای اقتصاد جهانی است. اگر ذی‌نفعان توافق در تقرب به روح توافق پایبند باشند، صنعت نفت ایران میدان راستی‌آزمایی آن خواهد بود. صدها فرصت بررسی‌شده سرمایه‌گذاری و فرصت‌های قراردادهای سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های فنی و عملیاتی ما آماده است. حاضریم در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیشنهادهای همکاری را بررسی کنیم و به مرحله قراردادهای اجرایی برسانیم. همچنین، صدها مجموعه داخلی مستعد و کارآفرین به‌عنوان شرکای ایرانی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، در داخل ایران شناسائی شده و وزارت نفت آمادگی دارد سازمان‌دهی گروه‌های کاری سرمایه‌گذار و توسعه‌دهنده را نیز به‌سرعت انجام دهد.

وزارت نفت به ثبمیت از دولت محترم و ریاست محترم جمهوری، دریچه خائمه جنگ را دروازه‌ای برای پیشرفت ایران و نیز تحقق صلح جهانی از طریق همکاری‌های اقتصادی می‌داند. ما همچنان مشتاق به دوام و اعتلای همکاری با شرکای قدیمی، شرکت‌ها و کشورهایی که در ایام تحریم به همکاری با صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران ادامه دادند، هستیم. اما هیچ‌یک از این تمایلات مدیریتی باعث نمی‌شود دست روی دست گذاشته، منتظر دیگران شویم یا برق سرمایه خارجی، بازوی عملیاتی ما را سست کند. صنعت نفت ایران که ۴۰ روز در خط مقدم نبرد خم به ابرو نیاورد، از این پس هم راه خود را با عزت و هوشیاری طی خواهد کرد. اگر سرمایه‌های خارجی آمدند که آماده‌ایم، اگر هم نیامدند، ما ایرانی هستیم و بدون توقف به راه استقلال وطن ادامه می‌دهیم.

وزیر اقتصاد تاکید کرد:

ضرورت ترسیم افق ۱۰ساله برای اقتصاد ایران

وزیر اقتصاد ضمن اعلام اینکه پس از بانک آینده، اصلاح بانک‌ها و مؤسسات مالی دیگر در دستور کار است، گفت: سیاست‌های پولی کشور تاکنون به‌گونه‌ای نبوده که مانع ایجاد تورم شود. مثلاً نرخ سود بانکی متناسب با تورم نبوده است. نرخ‌های کوتاه‌مدت باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که انگیزه خروج منابع از بانک‌ها کاهش یابد اما اکنون سپرده‌گذاران با نگهداری منابع خود در بانک‌ها از تورم مصون نمی‌مانند.

به گزارش سرویس اقتصادی زمان، سیدعلی مدنی‌زاده دیروز در مراسم افتتاحیه سی‌وسومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی با تأکید بر اینکه پس از پیروزی ملت ایران در میدان، کشور وارد مرحله جهاد اقتصادی شده است، گفت: کنترل تورم، اصلاح نظام بانکی، بازنگری در بودجه‌ریزی، رفع موانع تولید و تجارت و اصلاح حکمرانی اقتصادی، پیش‌شرط‌های اصلی عبور از رکود و تحقق سرمایه‌گذاری در مسیر ساخت ایران ۱۴۱۴ است. وی کنترل تورم را شرط اساسی ایجاد ثبات اقتصادی دانست و اظهار کرد: با وجود تورم بالا، نااطمینانی از اقتصاد از بین نمی‌رود. بنابراین برای ایجاد بستری که سرمایه‌گذاری بر روی آن شکل بگیرد، باید تورم کنترل شود. نااطمینانی ناشی از اقتصاد کلان، نظام پولی، نظام ارزی و نظام مالی کشور نداریم. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، با اشاره به شرایط کشور پس از جنگ، گفت: این مسیر در نهایت به پیروزی ملت ایران منجر شد و میدان و خیابان، در کنار دولت، این پیروزی را رقم زدند. جنگ میدان به پایان رسیده است، اما می‌توان گفت جنگ اقتصادی آغاز شده و اکنون باید وارد جهاد اقتصادی شویم. وی افزود: سردران و افسران این جنگ اقتصادی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند تا همان‌گونه که در میدان پیروز شدیم، در عرصه اقتصادی نیز به پیروزی برسیم. مدنی‌زاده با بیان اینکه کشور در سال پیش‌رو ممکن است همچنان با شرایط خاص سال گذشته و آثار جنگ مواجه باشد، اظهار کرد: در حال حاضر با تورم بالا مواجه هستیم و همان‌طور که رئیس‌کل بانک مرکزی نیز گزارش داد، رشد اقتصادی سال گذشته منفی بوده است. بنابراین همه مسئولان اقتصادی وظیفه دارند با تورم و رکود اقتصادی مقابله کنند. وزیر امور اقتصادی و دارایی ادامه داد: اگر به شرایط ایجادشده پس از جنگ به‌درستی نگاه کنیم، فرصت‌هایی برای کشور فراهم شده است که می‌تواند زمینه برنامه‌ریزی بهتر برای اداره اقتصاد ایران را فراهم کند. مردم برای تولید و سرمایه‌گذاری نیازمند افق، امید و اطمینان هستند و بر همین اساس باید تصویری روشن از آینده اقتصاد کشور ترسیم شود. وی با تأکید بر ضرورت ترسیم افق ۱۰ ساله برای اقتصاد ایران گفت: پیشنهاد من این است که به افق ۱۴۱۴ فکر کنیم؛ اینکه ایران ۱۴۱۴ چگونه خواهد بود، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و چه فرصت‌هایی برای ساختن آن پیش‌روی ماست. علت انتخاب این افق زمانی آن است که به دلیل تحولات سریع فناوری و تغییرات پرشتاب جهانی، نمی‌توان افق‌های بسیار طولانی‌مدت را با دقت بالا ترسیم کرد. مدنی‌زاده افزود: سیاست‌های اقتصادی و حتی سیاست‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها باید مبتنی بر این باشد که هدف ۱۰ سال آینده کشور را چگونه تعریف می‌کنیم. ایران در افق ۱۴۱۴ باید کشوری با مشارکت بالای مردم در اقتصاد باشد؛ زیرا اقتصادی که تاکنون اداره کرده‌ایم، عمدتاً دولت‌محور بوده و بخش خصوصی و مردم نقش کافی در آن نداشته‌اند. وی عدالت اقتصادی و اجتماعی را دومین محور مهم در تصویر آینده ایران دانست و گفت: با وجود شمارهای فراوان درباره عدالت، بسیاری از سیاست‌های اتخاذشده در عمل نتیجه معکوس داشته‌اند. ایران آینده باید ایرانی باشد که عدالت اقتصادی و اجتماعی در آن محقق شده باشد. وزیر اقتصاد با اشاره به فرصت‌های ایجادشده پس از جنگ تصریح کرد: پس از این جنگ، اعتماد ملی، سرمایه اجتماعی و تقرب ملی در میان آحاد ملت شکل گرفته است. این سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان سوختی برای تولید در اقتصاد عمل کند و زمینه هم‌افزایی اجزای مختلف تولید و پیوند مردم با یکدیگر را فراهم آورد تا بتوانیم بازسازی و نوسازی ایران را رقم بزنیم. وی افزود: تأکید من بر مفهوم نوسازی است. نوسازی از نوسازی فکری در سیاست‌گذاری اقتصادی آغاز می‌شود و سپس به نوسازی در تولید و رشد اقتصادی می‌رسد. کارخانه‌هایی که تخریب شده‌اند باید بازسازی شوند و صنایعی که تاکنون وجود نداشته‌اند باید ایجاد شوند؛ اما همه این‌ها نیازمند یک بستر اقتصادی مناسب است. مدنی‌زاده با بیان اینکه تولید بدون سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست، گفت: سرمایه‌گذاری نیز بدون ثبات، امنیت اقتصادی، کارایی در اقتصاد و عدالت‌محوری شکل نمی‌گیرد. اگر این عوامل در کنار هم قرار گیرند، سرمایه‌گذاری با نرخ بالا و در پی آن تولید محقق خواهد شد. وی کنترل تورم را شرط اساسی ایجاد ثبات اقتصادی دانست و اظهار کرد: با وجود تورم بالا، نااطمینانی از اقتصاد از بین نمی‌رود. بنابراین برای ایجاد بستری که باید تورم کنترل شود، نااطمینانی کاهش یابد و امنیت سرمایه‌گذاری ایجاد شود. وزیر اقتصاد در تشریح محورهای اصلی بستر اقتصادی کشور گفت: اگر این بستر را به شکل یک هرم تصور کنیم، در رأس آن نظام بانکی، پولی، ارزی و مالی کشور قرار دارد. برای کنترل تورم، چارهای جز اصلاح نظام بانکی، نظام پولی، نظام ارزی و نظام مالی کشور نداریم. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، با اشاره به شرایط کشور پس از جنگ، گفت: این مسیر در نهایت به پیروزی ملت ایران منجر شد و میدان و خیابان، در کنار دولت، این پیروزی را رقم زدند. جنگ میدان به پایان رسیده است، اما می‌توان گفت جنگ اقتصادی آغاز شده و اکنون باید وارد جهاد اقتصادی شویم. وی افزود: و کنترل ترازنامه بانک‌ها اتفاق نیفتد، قطعاً کنترل تورم محقق نخواهد شد. در همین راستا، دولت در کنار بانک مرکزی اصلاحات ارزی را از سال گذشته آغاز کرده و از ابتدای سال نیز پروژه کنترل تورم با جدیت از سوی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد دنبال می‌شود. مدنی‌زاده با اشاره به اصلاح نظام بانکی گفت: اصلاح بانک‌ها از بانک آینده آغاز شده و بانک‌ها و مؤسسات مالی دیگر نیز در دستور کار قرار دارند. همچنین بانک‌های دولتی یکی پس از دیگری در مسیر اصلاح قرار گرفته‌اند تا با اصلاح ترازنامه نظام بانکی و بهبود فضای کسب‌وکار بانکی، از خلق پول بی‌ضابطه جلوگیری شود. وی اصلاح نظام نرخ‌ها در سیاست پولی را یکی دیگر از اولویت‌ها دانست و اظهار کرد: سیاست‌های پولی کشور تاکنون به‌گونه‌ای نبوده که مانع ایجاد تورم شود. برای نمونه، چندین سال است که نرخ بازار بین‌بانکی حدود ۲۳ درصد بوده، در حالی که کشور تورم‌های بسیار متفاوتی، از ارقام پایین‌تر تا تورم‌های بالا، را تجربه کرده است. اما نرخ‌های بانکی متناسب با این شرایط تغییر نکرده‌اند. وزیر اقتصاد ادامه داد: این یک خطای راهبردی در سیاست‌گذاری پولی بوده است. سیاست پولی باید پیام روشنی به اقتصاد بدهد و نرخ‌های کوتاه‌مدت باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که انگیزه خروج منابع از بانک‌ها کاهش یابد. در حال حاضر، سپرده‌گذاران با نگهداری منابع خود در بانک‌ها از تورم مصون نمی‌مانند و همین موضوع باعث حرکت منابع به سمت بازارهایی مانند طلا، ارز و رمزارز شده است. وی با بیان اینکه اصلاح سیاست‌های اعتباری بانک‌ها ضروری است، گفت: بنگاه‌های بزرگ باید به سمت بازار سرمایه هدایت شوند و بنگاه‌های کوچک و متوسط و خانوارها باید از تأمین مالی خرد و بانکی بهره‌مند شوند. اگر بخواهیم رشد تقدیمتی تورم‌زا نباشد، باید تأمین مالی بنگاه‌ها از مسیر ابزارهای غیرتورمی‌تر و سنجیده‌تری انجام شود.

دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار خبر داد:

تا مرداد وارد مذاکرات ترمیم دستمزد نمی‌شویم

دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار با بیان اینکه «دوران بی‌ثباتی زمان مناسبی برای تصمیم‌گیری مزدی نیست»، از ادامه به‌روزرسانی سبد معیشت کارگران خبر داد و گفت: مذاکرات درباره بازنگری مزایا در نیمه دوم سال هنوز آغاز نشده و در صورت تداوم ثبات اقتصادی، این موضوع در ماه‌های آینده در دستور کار شورای عالی کار قرار خواهد گرفت.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، علی خدایی، دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و عضو شورای عالی کار درباره موضوع بازنگری مزایای کارگران در نیمه دوم سال، اظهارکرد: با توجه به اتفاقاتی که در کشور بعد از تمیین دستمزد افتاد و آشفتگی‌هایی که در بازار کار شاهد آن بودیم، وضعیت کارخانه‌ها و بنگاه‌ها بسیار پیچیده‌تر از شرایطی شده که هنگام تمیین مزد درباره آن صحبت می‌کردیم. به همین دلیل نیاز به مطالعه دقیق‌تری وجود دارد به دلیل پیچیدگی شرایط و ضرورت مطالعات دقیق‌تر، شورای عالی کار هم تاکنون مذاکره‌ای درباره ترمیم مزایا برای نیمه دوم سال نداشته است. وی با بیان اینکه با وجود خبرهای خوبی که این روزها می‌شنویم، اگر فضای اقتصادی تغییر کند و محاصره رفع شود، حتما این موضوع را در دستور کار قرار می‌دهیم، افزود: موضوع جبران قدرت خرید از دست رفته کارگران همچنان مطرح است، در حال حاضر برنامه مشخصی برای این مذاکرات وجود ندارد، اما توافق اولیه ما مبنی بر بازبینی مزد همچنان پابرجاست و با شرایط موجود، مقطعی که قرار است درباره آن تصمیم‌گیری شود، شش‌ماهه دوم سال خواهد بود. اکنون افزایش مزدی که قبلا تصویب شده در حال تثبیت شدن است. قرار است برای نیمه دوم سال تصمیم‌گیری کنیم و این تصمیم‌گیری هم باید بر مبنای تغییرات شرایط اقتصادی باشد. باید درنظر داشت که شرایط اقتصاد ما شرایط پایداری نیست؛ همانطور که در هفته گذشته نرخ ارز که یکی از مولفه‌های بسیار مهم در بحث قدرت خرید مردم است، با افزایش‌های ۱۰ درصدی و کاهش‌های ۲۰ درصدی در نوسان بود. بنابراین، این دوران بی‌ثباتی، زمان خوبی برای تصمیم‌گیری نیست. دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور تاکید کرد: تحقیقات ما درباره موضوع معیشت کارگران ادامه دارد. گروه کارگری به صورت روزانه، سبد معیشت را به‌روزرسانی می‌کند و با هر تغییر قیمتی، اطلاعات جدید ثبت می‌شود. مشغله‌ام هرچقدر هم که عدم ثبات ارزی داریم، بخش افزایشی قیمت‌ها روی معیشت مردم اثر می‌گذارد و کاهش نرخ‌ها معمولا روی معیشت اثر چندانی ندارند. اما افزایش‌ها دائما اثرگذار هستند. خدایی با بیان اینکه به‌روزرسانی سبد معیشت کارگران که مبنای تصمیم‌گیری ما خواهد بود در حال انجام است، ادامه داد: طبیعتا شرکای اجتماعی ما هم باید مطالعه وضعیت بنگاه‌های تولیدی را انجام دهند؛ وزارت صمت هم در این زمینه فعال است و گروه کارفرمایی هم همین کار را انجام می‌دهد. نهایتا برای تصمیم‌گیری درباره نیمه دوم سال، احتمالا در اواخر مرداد یا اوایل شهریور باید این موضوعات در دستور کار قرار گیرد و اکنون زمان مناسبی برای این اقدام نیست. عضو شورای عالی کار تاکید کرد: ما دائما معیشت کارگران را رصد می‌کنیم؛ نه فقط در جلسات شورای عالی کار، بلکه هر جا فرصتی باشد این موضوع را پیگیری می‌کنیم و این کار ادامه دارد. اما روال شورای عالی کار و تشکیل جلسه رسمی برای تصمیم‌گیری درباره این موضوع تا مردادماه اتفاق نخواهد افتاد. قطعا نباید شرایط امسال را با سال‌های گذشته مقایسه کنیم؛ چرا که به هر حال شرایط امسال شرایط خاصی است. شرایط جامعه کارگری و بنگاه‌های تولیدی ما نسبت به زمانی که برای سال جدید تصمیم گرفتیم، تغییرات زیادی کرده است. قبل از عید هنوز زیرساخت‌ها، فولاد و پالایشگاه‌ها آسیب ندیده بودند. اینها زیرساخت‌های اصلی تولید کشور هستند و بخش عمده اشتغال را به خود اختصاص می‌دهند. در طول سال با اتفاقاتی که افتاد، ما عملا برای اینکه همین مزد مصوب هم اجرایی شود و تغییری نکند، تحت فشار جدی قرار گرفتیم و جلسات متعددی برگزار کردیم تا از همان دستاورد قبلی حفاظت کنیم. دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با تاکید بر اینکه ما برای منافع کارگران صرفا به افزایش دستمزد فکر نمی‌کنیم و پایداری شغل آنها هم باید مورد توجه قرار گیرد، افزود: خوشبختانه تا این مقطع به یک ثبات نسبی رسیده‌ایم و همان افزایش قبلی پابرجاست. اگر زمان‌الله این ثبات در کشور حفظ شود و اتفاق جدیدی رخ ندهد، احتمالا با چالش جدی رویه‌رو نخواهیم بود. خدایی توضیح داد: یکی از دلایلی که ما خواهان دو مرحله‌ای شدن مزد هستیم، همین است که تمام فشارها به پایان سال منتقل نشود. در پایان سال معمولا شرایط پرتنشی ایجاد می‌شود؛ در حالی که ما می‌توانیم در میانه سال درباره مزد، مزایا و موضوعات مختلف گفت‌وگو کنیم و در پایان سال فقط درباره افزایش نهایی تصمیم بگیریم. حناقل بر اساس تجربه‌ای که در این ۱۰ تا ۱۲ سال حضور در شورای عالی کار دارم، معتقدم اگر موضوع تمیین مزد به درستی درک شود و مطالعات دقیق آن انجام شده باشد، نیاز به این همه کشمکش ندارد و شاید بتوان آن را در یک ساعت هم تصویب کرد. وی در پایان با بیان اینکه در دوره قبلی، با همراهی‌ای که در دبیرخانه شورای عالی کار وجود دارد، مطالعات به خوبی در حال انجام است، گفت: امیدوارم در روزهای پایانی سال و در زمان مذاکرات مزدی، دیگر آن چالش‌ها و دردسرها وجود نداشته باشد. این موضوع یک مسئله دو سویه است. در عین حال باید درنظر داشت که اگر شرایطی ایجاد شود که باعث نگرانی و ایجاد چالش در سمت کارفرمایی باشد؛ به‌طوری که کارفرما در جذب نیرو یا احتیاط بیشتری عمل کند یا برنامه‌ریزی بلندمدتش با مشکل مواجه شود، به سود کارگران نیست.

نگاه روز

پاداش صرفه‌جویی بنزین؛ طرحی در مسیر درست با دو ابهام بزرگ

برنامه جدید دولت برای مدیریت مصرف بنزین، کتمان دهنده حرکت از افزایش شدید قیمت به سمت مدل تشویقی است که در شرایط فعلی اقتصادی و اجتماعی تصمیمی قابل دفاع است. طرح پیشنهادی بر اختصاص سهمیه ۹۰ لیتری به خودرو، با سقف یک سهمیه برای هر خانواده و خرید مقدار مصرف‌شده از مردم استوار است مدلی که از تخصیص بنزین به کد ملی منطقی‌تر است و پاداش را به رفتار مصرفی واقعی پیوند می‌زند با این حال، موفقیت طرح به دو ابهام اصلی گره خورده است: تخمین منطقی از میزان واقعی کاهش مصرف و نحوه تأمین منبع مالی پرداخت پاداش‌ها در وهله اول انتظار کاهش شدید مصرف از این طرح منطقی به نظر نمی‌رسد همچنین اگر قرار باشد برای کاهش ۳۰ میلیون لیتر مصرف روزانه، به ازای هر لیتر ۱۰۰ هزار تومان پرداخت شود، بار نظری طرح به حدود ۳ هزار میلیارد تومان در روز و ۹۰ هزار میلیارد تومان در ماه می‌رسد، رقمی که بدون سازوکار مالی شفاف می‌تواند خود به مسئله‌ای تازه تبدیل شود

ناترازی بنزین به یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ناترازی انرژی در کشور تبدیل شده است. مصرف روزانه فاصله معناداری با توان تولید داخلی پیدا کرده و واردات بنزین، منابع ارزی قابل توجهی را از کشور خارج می‌کند. در چنین وضعیتی، اصل اصلاح سیاست قیمت‌گذاری بنزین اجتناب ناپذیر است، اما نوع اصلاح اهمیتی تعیین‌کننده دارد. افزایش شدید قیمت، در شرایطی که معیشت خانوارها زیر فشار است، می‌تواند تبعات اجتماعی جدی در پی داشته باشد و حتی مسیر اصلاح را برای سال‌ها مسدود کند. از این منظر، رویکرد جدید دولت در حرکت به سمت تشویق‌های مصرفی قابل تحسین است. ایده اصلی این است که سهمیه پارانه‌ای بنزین حفظ شود، اما هر خانواده‌ای که کمتر از سقف تعیین‌شده مصرف کند، بتواند از محل صرفه‌جویی خود منتفع شود. این مسیر نسبت به شوک قیمتی کم‌تنش‌تر است و می‌تواند اصلاح مصرف را به جای جریمه عمومی، از مسیر منفعت مستقیم مردم دنبال کند. یکی از نقاط تمایز طرح آن است که سهمیه همچنان به خودرو متصل می‌ماند، اما هر خانواده حداکثر از یک سهمیه ۹۰ لیتری برخوردار می‌شود. این طراحی، از دو خطای همزمان پرهیز می‌کند؛ از یک سو، ماندن مدل فعلی به مالکان چند خودرو امتیاز چندباره نمی‌دهد؛ از سوی دیگر، ماندن طرح بنزین به کد ملی، برای کسانی که اساساً مصرف بنزین ندارند یک حق قابل فروش و مطالبه دائمی ایجاد نمی‌کند. بنزین کالایی مصرفی در حمل‌ونقل است و سیاست مدیریت آن باید تا حد ممکن به رفتار مصرفی واقعی نزدیک باشد. وقتی سهمیه به همه افراد داده شود، بازار بزرگی از فروش سهمیه شکل می‌گیرد بدون آنکه الزاماً کاهش مصرف واقعی رخ دهد. اما در مدل خودرو یا سقف خانوار، پاداش به کاهش مصرف کسانی تعلق می‌گیرد که واقعاً در چرخه مصرف بنزین حضور دارند. البته این طراحی به تنهایی برای موفقیت کافی نیست. چند ابهام اصلی وجود دارد که اگر پتنش از اجرا حل نشود، طرح تشویقی می‌تواند از یک ایده کم‌تنش به یک سیاست پرریسک تبدیل شود. هدف اصلی طرح، کاهش مصرف، تا محدوده‌ای است که کشور از واردات بنزین بی‌نیاز شود. اگر مصرف روزانه حدود ۱۲۰ میلیون لیتر و تولید داخلی حدود ۹۰ میلیون لیتر در نظر گرفته شود، دولت باید نزدیک به ۳۰ میلیون لیتر کاهش پایدار ایجاد کند. این عدد بسیار بزرگ است و نمی‌توان فقط با اتکا به انگیزه مالی، تحقق آن را قطعی دانست. بخشی از مصرف بنزین لمطلق‌پذیر نیست. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل فاصله محل سکونت و کار، نبود حمل‌ونقل عمومی مناسب، کیفیت پایین خودروها و ساختار شهرها ناچار به مصرف هستند. بنابراین پاداش نقدی می‌تواند بخشی از سفرهای غیرضروری را کاهش دهد، اما معلوم نیست بتواند مصرف را به شکل پایدار تا سطح تولید داخلی پایین بیاورد به همین دلیل، اجرای سراسری و فوری طرح پرریسک است. بهتر است دولت ابتدا آن را به صورت آزمایشی در چند منطقه با الگوهای مصرف متفاوت اجرا کند تا کشش واقعی مصرف، واکنش خانوارها، میزان صرفه‌جویی قابل تحقق و آثار احتمالی بازار جانبی تشخیص شود. همچنین طرح تشویقی بدون تمیین تکلیف قیمت بنزین غیرسهمیه‌ای ناقص است. اگر هر خانواده یک سهمیه ۹۰ لیتری داشته باشد باید روشن شود مصرف بالاتر از این سقف با چه قیمتی تأمین می‌شود همچنین کسانی که به هر دلیل به سهمیه دسترسی ندارند، با مصرف ضروری آن‌ها از سهمیه فراتر می‌روند، باید بدانند بنزین مازاد را با چه نرخی دریافت خواهند کرد. تجربه خرید صرفه‌جویی از مردم هم بدون وجود قیمت روشن برای بنزین آزاد ممنای کاملی ندارد. اگر دولت از یک سو بنزین صرفه‌جویی شده را با رقمی نزدیک به قیمت گذشته‌اش در بورس انرژی بخرد اما از سوی دیگر قیمت مصرف مازاد را تشخیص نکند، بازار صرفه‌جویی عمق پیدا نمی‌کند و رفتار مصرف‌کننده پرمصرف نیز به اندازه کافی اصلاح نمی‌شود. در واقع، طرح زمانی کامل می‌شود که سه نرخ با هم نسبت روشنی داشته باشند: قیمت سهمیه پارانه‌ای، قیمت خرید صرفه‌جویی و قیمت مصرف مازاد. بدون این نسبت، هم انگیزه‌ها مبهم می‌ماند و هم اتکای محاسبه مالی طرح برای دولت و مردم کاهش می‌یابد. مهم‌ترین چالش اجرایی طرح، تأمین منابع ریالی پاداش است. کاهش مصرف بنزین اگر واقعاً واردات را کم کند، برای دولت صرفه‌جویی ارزی ایجاد می‌کند، اما پاداش مردم باید ریالی پرداخت شود. تبدیل این صرفه‌جویی ارزی به پرداخت منظم ریالی، نیازمند سازکار مالی شفاف است. ابعاد عددی موضوع بسیار بزرگ است. اگر پاداش هر لیتر صرفه‌جویی حدود ۱۰۰ هزار تومان باشد، کاهش ۱۰ میلیون لیتر مصرف در روز به پرداخت روزانه حدود هزار میلیارد تومان نیاز دارد. کاهش ۳۰ میلیون لیتر، بار روزانه را به ۳ هزار میلیارد تومان می‌رساند. اگر هدف کاهش ۳۰ میلیون لیتر در روز باشد، منابع مورد نیاز به حدود ۳ هزار میلیارد تومان در روز، ۹۰ هزار میلیارد تومان در ماه و بیش از هزار هزار میلیارد تومان در سال می‌رسد. البته این محاسبه سقف نظری پرداخت است و در عمل ممکن است همه کاهش مصرف، تشمول چنین پرداختی نشود، اما همین برآورد نشان می‌دهد دولت نمی‌تواند بدون تمیین منبع مالی وارد اجرا شود. اگر پاداش از بودجه عمومی، تنخواه یا منابع بانکی پرداخت شود، خطر تورمی دارد. اگر پرداخت‌ها با تأخیر انجام شود، اعتماد مردم از بین می‌رود. بنابراین باید پتنش از اجرای طرح تشخیص شود پاداش‌ها از کدام حساب، در چه زمانی، با چه سقفی و تحت چه نظارتی پرداخت می‌شود؟ راه منطقی آن است که پرداخت‌ها تا حد امکان به کاهش واقعی واردات بنزین گره بخورد. پاداش نباید فقط در صورتی تعهد پرداخت ایجاد کند که صرفه‌جویی مصرف، به کاهش واردات یا آزاد شدن بنزین قابل عرضه منجر شده باشد. در غیر این صورت، طرح ممکن است به توزیع نقدی نارضای تبدیل شود که مصرف را به اندازه انتظار کم نمی‌کند اما بار مالی سنگینی بر دولت می‌گذارد. مدل تشویقی حتی دربهترین حالت، جایگزین اصلاحات غیرقیمتی نیست. کاهش مصرف بنزین به حمل‌ونقل عمومی، استاندارد خودرو، اسقاط خودروهای فرسوده، کنترل قاچاق، مدیریت سفرهای شهری و اصلاح الگوی توسعه شهرها وابسته است. اگر خودروهای پرمصرف همچنان تولید شوند، خودروهای فرسوده از دور خارج نشوند و حمل‌ونقل عمومی توسعه پیدا نکند، پاداش نقدی فقط بخشی از مسئله را پوشش می‌دهد. به همین دلیل، طرح پاداش صرفه‌جویی باید بخشی از یک بسته بزرگ‌تر باشد. سهمیه ۹۰ لیتری و پاداش مصرف‌نکردن، می‌تواند نقطه شروع کم‌تنش‌تر اصلاح بنزین باشد، اما پایداری آن به سه شرط بستگی دارد: دولت باید فرض کاهش مصرف را با اجرای آزمایشی راستی‌آزمایی کند. قیمت بنزین غیرسهمیه‌ای را شفاف اعلام کند و منابع ریالی پاداش را پیش از اجرا تشخیص سازد. در شرایط فعلی، کنار گذاشتن شوک قیمتی تصمیم درستی است. اما موفقیت مسیر تشویقی نیاز خودبه‌خود تضمین نمی‌شود. اگر دولت این سه ابهام را حل کند، طرح می‌تواند به کاهش واردات و مدیریت مصرف کمک کند. اگر این ابهام‌ها باقی بماند، سیاستی که با هدف کاهش ناترازی بنزین طراحی شده، ممکن است به تعهد مالی تازه‌ای تبدیل شود و اعتماد عمومی به اصلاحات انرژی را تضعیف کند.

منبع: مسیر اقتصاد

zamanagahi@chmail.ir

آگهی مفقودی
مدرک تحصیلی (دوره سوم)
گواهی نامه پایان تحصیلات (پیوست علیرضا شهبازی فر فرزند غلامرضا به شماره ملی ۲۲۸۰۸۳۸۷۷۱ صادره از شیراز در مقطع کاردانی در رشته مهندسی عمران از دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.